



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای اتحادیه انجمنهای اسلامی دانش آموزان - 26 شهریور / 1382

بسم الله الرحمن الرحيم

بحمدالله شادابی جوانی و دانش آموزی در محفل صمیمی ما موج می زند و این جلسه تقریباً نمونه ای است از وضعیتی که در سراسر کشور عزیز ما وجود دارد. این امتیاز کمی نیست که یک کشور هفتاد میلیونی، دارای اکثریت جوان و نوجوان باشد. جوان و نوجوان، چشمه جوشان نیرو و استعداد است. جوان، یعنی آینده. جوان خوب برای یک کشور، یعنی آینده خوب. جوانان و نوجوانان ما اهل فکر کردن و دریافتن و تحلیل کردند این هم امتیاز دیگری است. همه آنچه در تحلیلهای دشمنان این ملت و این کشور به عنوان نقطه مرکزی مشاهده می شود، این است که این نسل جوان و پُرشور و آینده ساز را از راههای مختلف برای ساختن ایران آباد و آزاد و مؤمن و پاکیزه آینده ناتوان کنند؛ اما به رغم تلاشهای دشمنان، واقعیت عکس این است. من به هیچ وجه حرفها و تحلیلهای کسانی را که گاهی در برخی از مطبوعات یا رسانه ها از انحراف نسل جوان سخن می گویند قبول نمی کنم. این طور نیست. اگر گاهی اشتباه و خطایی از جوان سر بزند، با توجه به دل پاک و نورانی او این اشتباه کاملاً قابل جبران است. اینها چرا صلاح و پاکدامنی و پارسایی و صداقت جوانان را نمی بینند؟ چرا شور و شعور جوانان را نمی بینند؟ به چند خطای محدود جوان چشم می دوزند و درست در همان مجرای که دشمنان می خواهند و می پسندند، سخن می گویند یا قلم می زنند.

کشور ما از لحاظ جغرافیایی، تاریخی، انسانی و منابع طبیعی بدون شك یکی از کشورهای برجسته دنیاست. تاریخ ما پُرشکوه و پُربار و پُرافتخار است. جغرافیای ما یک جغرافیای بسیار حساس است. ما در منطقه ای از لحاظ جغرافیایی قرار گرفته ایم که در عصر ارتباطات و در عصر اتصال کشورها، خبرها، سرمایه ها و فناوریها به یکدیگر، یکی از حساسترین جایگاهها در سراسر روی زمین محسوب می شود. من در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام، آمار ریز دادم که کشور ما از لحاظ منابع طبیعی یکی از پُردخیره ترین کشورهاست. از لحاظ نفت و گاز و فلزات حساس و مواد معدنی و دیگر منابع طبیعی که معلوم است. از لحاظ انسانی هم کشور ما یکی از با استعدادترینهاست. این را گذشته نشان داده، زمان حال ما هم نشان می دهد. هر وقت میدانی باز شده، این حقیقت - یعنی استعدادهای درخشان - خود را آشکار کرده است. متوسط استعداد کشور ما از متوسط جهانی بالاتر است. به عنوان نمونه، شما به صحنه هشت سال دفاع مقدس - یعنی سالهای 59 تا 67 - که میدان برای بروز استعدادها باز شد، نگاه کنید. نیاز فراوان بود، اما درهای دنیا به روی ما بسته بود. هر چیزی که به جنگ ما کمک می کرد، دنیا حاضر نبود آن را در اختیار ما بگذارد - نه سلاح، نه مهمات، نه پشتیبانی و نه اطلاعات - از طرفی هم کشور درگیر دفاع از هویت خود، از خاک خود، از مرزها و از خانه خود بود؛ بنابراین به آن امکانات نیاز داشت. این نیاز موجب شد استعدادها در همه زمینه ها - هم در زمینه علمی و هم در زمینه جنگی و نظامی - به جریان افتند. پایه پیشرفتهای علمی کشور - که امروز شما برخی از نمونه های آن را می شنوید - در دوران دفاع مقدس گذاشته شد. امروز بسیاری از جوانانی که در بخشهای بسیار حساس علمی کشور مشغول کار هستند، همان عناصر دفاع مقدسند که با همان روحیه و انگیزه مشغول کار شده اند و امروز یک نمونه از کارهای شگفت آمیز آنها همین غنی سازی مواد هسته ای است که جزو محرمانه ترین فناوریهای جهانی است که قدرتها آن را در دست در اختیار خود نگاه داشته اند؛ اما جوانان ما توانستند با تکیه به استعداد و هوش و دستان ماهر خود این کار بزرگ را انجام دهند، که شما عکس العملهای مستکبران عالم را می بینید. جنجالهایی که امروز در دنیا وجود دارد، عکس العمل در مقابل استعداد و توانایی و افتخارات شماست. یک نمونه دیگر، تولید و تکثیر سلولهای بنیادی است که من ماه گذشته گفتم؛ اخیراً هم خودشان آمدند و توضیح دادند. متخصصان و دانشمندان جهانی مجبور شده اند اعتراف کنند که جوانان ما با پشتوانه ایمان و همت و غیرت



توانسته اند استعداد جوشان پنهان خود را آشکار کنند و این راه بزرگ را بروند. از این قبیل، ما نمونه های متعددی در صحنه تحقیقات داریم. در زمینه های نظامی هم همین طور است. شاید برای شما جوانان و نوجوانان عزیز، جالب باشد که بدانید در دوران هشت سال دفاع مقدس، بزرگترین ضرباتی که از طرف رزمندگان دلاور ما به ارتش مجرّم عراق وارد شد - در حالی که آن ارتش از سوی آمریکا، شوروی آن روز، اروپا و بسیاری از کشورهای منطقه حمایت مالی و تسلیحاتی و اطلاعاتی می شد - غالباً کار طراحان و فرماندهان جوان و استراتژیستهای جنگی بیست و پنج شش ساله بود که توانستند ژنرالهای پیر سالها دوره های مختلف دیده ارتش عراق را به زانو درآورند! وقتی جوانان ما خرّمشهر را باز پس گرفته بودند، اوایل ریاست جمهوری بنده بود. یک هیأت جهانی به ایران آمد و رئیس آن - قریب به این مضمون - به من گفت: امروز در دنیا وضع شما با یک سال پیش از زمین تا آسمان تفاوت کرده است. او راست می گفت. دنیا باور نمی کرد جوانان ما، بسیجیان ما، سپاه نوس ما و ارتش ضربت دیده ما بتوانند خرّمشهر را با آن همه استحکاماتی که دشمن و پشتیبانانش درست کرده بودند، پس بگیرند. وقتی جوانان ما خرّمشهر را پس گرفتند، مرزها را پس گرفتند و توانستند خطّ آبی مشترک را هم پس بگیرند و با رفتن به فاو، دشمن را تحقیر کنند. ما که قصد نداشتیم فاو را نگه داریم؛ این تحقیر رژیم صدام بود؛ این به ذلت کشاندن ارتش بعث علفی بود. این کار را جوانان ما کردند؛ آن هم نه با تجهیزات پیشرفته آن چنانی که نداشتند و نه با پشتیبانیهای اطلاعاتی یا نظامی که در اختیارشان نبود؛ بلکه با قدرت اراده و فکر و هوشمندی و با جوانی کارساز. آن روز فرماندهان ما بیست و سه ساله، بیست و پنج ساله، بیست و شش ساله و بیست و هفت ساله بودند؛ یعنی در همین سنین نزدیک به شما این کارهای بزرگ را انجام دادند.

این استعداد جوشان، این سرزمین غنی، این موقعیت جغرافیایی حسّاس، این تاریخ پُرشکوه - که پشتوانه فرهنگی و پشتوانه افتخارات ماست - و بالاتر از همه، نور ایمانی که امروز در دلهای جوانان ما می درخشد و دنیا را متوجّه خود می کند، همه نوید دهندگان به نسل جوان و نوجوان ما برای آینده است. تلاش شما باید این باشد که آن آینده را هرچه بهتر بسازید. ما همین جوان، همین موقعیت و همین گذشته تاریخی را قبل از انقلاب هم داشتیم؛ اما این درخشندگی و پیشرفت را نداشتیم. چرا؟ چون آن روز دستگاه سیاسی و قدرتی که بر این کشور و بر همه مراکز تلاش و توان در این کشور حاکم بود، اولاً از دین و ایمان و اعتقادات ارزشی بی بهره محض بود - یک مُشت افراد پوک بدون این که در درون خود ارزش والایی داشته باشند، بر مردم حکومت می کردند - ثانیاً همینها موجب شده بود که خود آنها وابسته به دشمنان باشند. ایران عزیز ما بهشت غارتگران و چپاولگران بود. چرا؟ چون کدخدا را دیده بودند، ده را می چاپیدند! مسؤولان نظام را در چپاولگریهای خودشان شریک کرده بودند و این ملت را می چاپیدند. انقلاب آمد و بزرگترین مانع را در مقابل نفوذ خائنانه بیگانگان و همچنین سلطه غیرم مشروع و غیرمنطقی افراد فاسد ایجاد کرد. آن مانع چه بود؟ اسلام بود. تا وقتی اسلام در جایگاه خود قرار داشته باشد، تبلیغاتچیهای استکبار جهانی و بین المللی از اسلام به شدت بیمناکند. بله؛ اگر اسلام از سیاست و زندگی و محیط اجتماعی دور و مخصوص کنج عبادتگاه و خلوت مساجد باشد، از آن باکی ندارند. اگر یک عده در خلوت، خود را به عبادت مشغول کنند، در حالی که عرصه جامعه، اداره جامعه، مدیریت کشور و سررشته داری امور، دست افکار و اهواء و مکتبهای گوناگون باشد، آنها از این اسلام ابایی ندارند و به آن اهمیتی نمی دهند؛ اما اگر اسلام آن چنان که خدا خواسته و قرآن تشریح کرده، به معنای برنامه زندگی تلقی شد و مورد پذیرش قرار گرفت، از آن می ترسند. چرا؟ چون این اسلام، در وهله اول دو عنصر بزرگ در درون خود دارد که یکی عبارت است از احترام به شخصیت و اهتمام به رشد انسان، و دوم جلوگیری از نفوذ غارتگران و طاغوتها و قدرتمندان نابحق و ظالم و ستمگر جهانی. در کلمه توحید، اینها وجود دارد؛ «لااله الاالله». یکی از مصرعهای برجسته و مهمّ قصیده «لااله الاالله» این است که با طاغوتها، طغیانگرهای جهانی، قدرتهای ظالم بین المللی و ستمگرانی که امروز شما می بینید در دنیا چگونه تاخت و تاز می کنند و با ملتها چه می کنند، نمی شود



کنار آمد. توحید اجازه نمی دهد مسلمان در مقابل قدرتهای بدون مهار که با فلسطین و عراق و افغانستان آن طور رفتار کردند و قبلاً با بوسنی و لبنان و دیگر کشورهای اسلامی و سایر نقاط دنیا طور دیگر رفتار کردند، کرنش کند. همین کرنشها از سوی برخی از ملتهای ضعیف شده است که این طور این خون آشامها را قدرتمند کرده است. اگر ملتها حق خود را بشناسند و بخواهند زیر بار زورگوییهای بین المللی نروند و شعارهای دروغین این ریاکاران بین المللی را قبول نکنند، اینها این طور قدرتمند نمی شوند.

اسلام اجازه نمی دهد ملتهای مسلمان زیر بار زور و سلطه بروند و لگدکوب شوند. شخصیت و عزت و رشد انسان اسلامی در هر شرایطی باید محفوظ بماند؛ اینها در درون اسلام است. اسلام وقتی به عنوان برنامه زندگی مطرح شد، اینها هم مطرح می شود. جامعه ما بحمدالله از میلیونها جوان دختر و پسر برخوردار است. این مایه افتخار برای ملت ماست. این ملت باید به وجود این همه جوان، این همه استعداد و این همه دل پاک و نورانی ببالد و جوان هم باید به کشور خود، به انقلاب خود، به نظام اسلامی خود و به پرچم برافراشته اسلام خود ببالد و آینده را بسازد. آینده با حرف ساخته نمی شود؛ با کار هوشمندانه و مؤمنانه ساخته می شود. باید کار کنید؛ آن هم کار هوشمندانه و برخوردار از پشتوانه ایمان. جوانانی که امروز شما می بینید ناگهان در قالب یک کار بزرگ فنی و یا ایجاد یک فناوری بزرگ ظاهر می شوند، مدتها مؤمنانه تلاش و کار کرده اند و ناگهان در عرصه های علم این طور ظاهر شده اند. شما هم می توانید. به علم و کلاس درس و مطالعه و تحقیق و پژوهش اهمیت دهید. من در این زمینه ها به مدیران و مسؤولان هم سفارش می کنم؛ اما این سفارش جداست و آن را جداگانه به خود آنها می گویم. به شما جوانان هم به عنوان فرزندان عزیز و پاره های دل این ملت جداگانه می گویم: عزیزان من! کار کنید. امروز دشمنان نمی خواهند دانشگاه و درس و مدرسه و معلم باشد. دشمنان ما نمی خواهند میلیونها جوان با درس خواندن و حفظ ایمان و رستگاری و پارسایی و پاکدامنی شان، در این منطقه فردای شکوهمندی را برای ایران مقتدر به وجود آورند. می دانند اگر این نیروی عظیم این طور کار کند، فردای نه چندان دوری، عظمتی از این منطقه سر بر خواهد آورد که دشمنان از این که بتوانند به آن زور بگویند، مأیوس خواهند بود. من اصرار دارم که شما نقطه مقابل این خواست استعماری و استکباری عمل نمود، ایمان و پاکدامنی تان را حفظ کنید، درستان را خوب بخوانید و جوانی تان را قدر بدانید. این نیرو و این نشاط باید در راه به دست آوردن این ارزشهای والا خرج شود؛ وقتش هم الان است. شما امروز در سالهای طلایی عمر خود قرار دارید و خدای متعال هم به شما کمک خواهد کرد. از این فرصت خوب زندگی و از دامان گرم و مهربان نظام اسلامی و انقلاب اسلامی - که بحمدالله توانسته این همه جوان مؤمن و خوب را در درون خود پرورش دهد - بهترین استفاده را بکنید. همان طور که گفتم، جوانان ما خوبند. خطاها و لغزشها وجود دارد؛ مخصوص جوانان هم نیست. جوانان این امتیاز را دارند که می توانند با استغفار و بازگشت به آغوش خداوند و رحمت الهی، هرگونه آلودگی را از دامان خود پاک کنند. کار جوانان از این جهت آسان تر از سالخوردگان است. البته جوانی که سعی کند به گناه و لغزش آلوده نشود، توفیقات و نورانیّت و درخشندگی او بسیار بیشتر خواهد بود؛ همه تلاشتان باید این باشد. بنده هم وظیفه دارم پدرا نه شما را دعا کنم و می کنم. امیدوارم در این ایام نورانی مبعث نبی مکرّم اسلام - که تقریباً با آغاز سال تحصیلی همزمان است - همه شما مشمول برکات و تفضّلات الهی باشید و ان شاءالله دعای حضرت بقیةالله الاعظم، ولی عصر ارواحنافداه همراه شما باشد.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته